

تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق و حقوق بشر در دوستانه

دکتر سیداحمد طباطبائی*

پس از پایان جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل نقش فعال‌تری در بحران‌های بین‌المللی ایفا نمود و توانست بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد از اختیارات خود در اعمال تحریم‌های اقتصادی استفاده نماید. آثار منفی این تحریم‌ها بر مردم غیرنظامی کشورهای که هدف مجازات‌های شورای امنیت قرار گرفته بودند، خصوصاً عراق، سبب طرح بحث‌های گسترده‌ای در زمینه مشروعیت این‌گونه تحریم‌ها و اعمال حقوق بشر در دوستانه بر تحریم‌های سازمان ملل گردید.

این مقاله ضمن بررسی تحریم‌های اقتصادی و بازرگانی شورای امنیت علیه عراق، آثار این تحریم‌ها بر زندگی مردم این کشور و استانداردهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر در دوستانه به این نتیجه می‌رسد که تداوم تحریم‌های اقتصادی، آثار منفی گسترده و گاه جبران‌ناپذیری را بر زندگی اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی مردم غیرنظامی عراق، خصوصاً زنان و کودکان داشته است که در تعارض با حقوق بشر در دوستانه می‌باشد. در این مطالعه هم‌چنین روشن می‌گردد که معیارهای بین‌المللی بشر در دوستانه بر تحریم‌های

سازمان ملل نیز قابل اعمال است و شورای امنیت موظف است در تصویب و اجرای مجازات‌های اقتصادی آن‌ها را مدنظر قرار داده و رعایت نماید.

مقدمه

شورای امنیت پس از احراز «وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز»^۱ می‌تواند بر اساس ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد، مجازات‌هایی را علیه کشور متخلف تصویب نماید:^۲

شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا، به چه اقداماتی مبادرت کند که متضمن استعمال نیروی مسلح نباشد. نیز می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد. به دلیل پدیده جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب، تا قبل از بحران کویت تنها در دو مورد مجازات‌های اقتصادی از جانب شورای امنیت وضع شده است:

- ۱- تحریم‌های اقتصادی علیه رودزبای جنوبی (زیمباوه فعلی) بین سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۷۷ به دلیل اعلام استقلال یک جانبه رژیم غیرقانونی در این کشور؛^۳
- ۲- تحریم تسلیحاتی و نظامی علیه آفریقای جنوبی به دلیل سیاست‌های تبعیض نژادی، در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۷.^۴

پس از تحولات اواخر دهه هشتاد در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی و در نتیجه پایان جنگ سرد، زمینه همکاری دو بلوک شرق و غرب افزایش یافت و شورای امنیت توانست در دهه نود در موارد متعددی از اختیارات خود بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد از جمله اعمال تحریم‌های اقتصادی، استفاده نماید.

در بحران کویت، شورای امنیت تحریم‌های وسیع اقتصادی و تسلیحاتی علیه عراق وضع نمود. شورا هم‌چنین در قضایای دیگر هم از صلاحیت خود در اعمال تحریم‌ها استفاده نموده است؛ به عنوان مثال، می‌توان از تحریم‌های تسلیحاتی علیه یوگسلاوی

سابق^۵، سومالی^۶، و لیبیا^۷ و تحریم تسلیحاتی و هوایی علیه لیبی^۸ و تحریم‌ها علیه هائیتی^۹ و از جدیدترین تصمیم شورا مبنی بر تحریم تسلیحاتی علیه طالبان افغانستان، نام برد.^{۱۰}

با وجود این، تحریم‌ها علیه عراق، از جهت محتوا و گستردگی و هم‌چنین ضمانت‌های اجرایی، منحصر به فرد بود؛ به عبارت دیگر، در قضیه رودزیا و افریقای جنوبی و حتی تحریم‌های وضع شده در دهه نود، اولاً تحریم‌ها، مواد خاصی از قبیل نفت، تجهیزات نظامی و برخی کالای دیگر را شامل می‌شد و ثانیاً این تحریم‌ها به نحو مؤثر قابل اجرا نبودند. اما در مورد عراق، تحریم شامل تمام مواد به جز دارو و مواد غذایی در شرایط انسان دوستانه گردید که این تحریم‌ها از طریق دریا و هوا اعمال می‌شد و نیروهای نظامی متحدین به طور دقیق بر اجرای تحریم‌ها نظارت داشته و با نیروی دریایی مؤثر خود این تحریم‌ها را ضمانت اجرا بخشیدند.

تحریم‌های جامع و اجرای مؤثر آن‌ها علیه عراق و برخی عوامل دیگر که در مقاله بیان خواهد شد، بر زندگی مردم غیرنظامی عراق آثار زیان‌باری داشته است. در نتیجه حقوق دانان و صاحب‌نظران بین‌المللی، مشروعیت این تحریم‌ها را با در نظر گرفتن حقوق بین‌المللی بشردوستانه مورد نقد و ارزیابی قرار داده‌اند. نظریه غالب بر این است که اعمال این تحریم‌ها با توجه به مکانیسم‌های اجرایی و کلیه شرایط حاکم بر آن‌ها، سبب خدشه‌دار شدن معیارهای حقوق بشردوستانه خصوصاً حقوق ژنو گردیده است.

۱) تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق

پس از امتناع عراق از اجرای اولین قطع‌نامه شورای امنیت مبنی بر عقب‌نشینی به پشت مرزهای بین‌المللی خود با کویت، شورا با تصویب قطع‌نامه‌های متعدد، تحریم‌های جامع و گسترده‌ای را علیه عراق وضع نمود. پس از شکست عراق و برقراری آتش‌بس، تحریم‌های قبلی با کمی اصلاحات به عنوان ضمانت اجرای شرایط آتش‌بس تداوم پیدا نمودند.

الف - وضع تحریم‌های اقتصادی، مالی و نفتی

شورا با تصویب قطع‌نامه ۶۶۱ در ۶ اوت ۱۹۹۰، تحریم‌های اقتصادی، مالی و تسلیحاتی جامعی را علیه این کشور وضع نمود^{۱۱}. قطع‌نامه ۶۶۱، دولت‌ها را ملزم می‌سازد که از واردات کالاها و محصولات که بعد از ۶ اوت (تاریخ تصویب قطع‌نامه) از عراق و کویت اشغالی صادر می‌شود خودداری کنند (پاراگراف «الف بند» ۳) و اتباع خود یا دیگران را که در قلمرو آنان می‌باشند از ارسال یا فروختن هر نوع کالا یا محصول از جمله سلاح یا هر نوع تجهیزات نظامی دیگر باز دارند (پاراگراف‌های «ب» و «ج» بند ۳). دولت‌ها هم‌چنین از انتقال وجه به عراق و کویت به هر طریق ممکن، منع شده‌اند (بند ۴).

بر اساس بند ۶ قطع‌نامه، شورای امنیت تصمیم گرفت که طبق ماده ۲۸ اساسنامه خود، کمیته‌ای را با عضویت تمام اعضای شورای امنیت تأسیس نماید.^{۱۲} این کمیته موظف شد ضمن بررسی گزارش دبیرکل در زمینه پیشرفت اجرایی قطع‌نامه، اطلاعات بیش‌تری را پیرامون اقداماتی که دولت‌ها در جهت اجرای تحریم‌ها انجام داده‌اند کسب نماید. این کمیته رسماً با عنوان «کمیته شورای امنیت که به واسطه قطع‌نامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) در رابطه با وضعیت عراق و کویت تأسیس شده است»، نامیده شد و سپس به اختصار «کمیته مجازات‌ها» یا کمیته «تحریم‌ها» نام گرفت.^{۱۳}

در اقدام بعدی، شورای امنیت با تصویب قطع‌نامه ۶۶۵^{۱۴} از کشورهای همکار با کویت درخواست نمود تا اقدام لازم را در جهت اجرای مفاد قطع‌نامه ۶۶۱ اتخاذ کنند و به طور تلویحی توسل به زور را در جهت ممانعت از حمل کالاهای ممنوعه توسط کشتی از عراق یا به مقصد عراق، تجویز نمود (محاصره دریایی). متعاقباً قطع‌نامه ۶۷۰ مقرر نمود که تحریم‌های مندرج در قطع‌نامه ۶۶۱ تمام طرق حمل و نقل از جمله تردد هوایی را در بر می‌گیرد.^{۱۵}

ب - مکانیسم کمک‌های نوع دوستانه

شورای امنیت در قطع‌نامه ۶۶۱ خود که تحریم‌های اقتصادی و مالی را وضع نموده،

انتقال و صدور مواد دارویی و در «شرایط ویژه انسان‌دوستانه»، مواد غذایی را استثنا نمود (پاراگراف «ج» بند ۳) و تأمین وجوه یا منابع مالی و اقتصادی را برای حکومت عراق، نهادها و اشخاص در کویت و عراق مجاز شمرد به شرط آن که در راستای مقاصد صرف پزشکی یا انسان‌دوستانه، یا تهیه مواد غذایی در شرایط انسان‌دوستانه صورت گیرد (بند ۴). اما قطع‌نامه ۶۶۱ مکانیسم ارسال این کمک‌های نوع‌دوستانه را روشن ساخت و از طرفی اصطلاح «شرایط ویژه انسان‌دوستانه»^{۱۶} می‌توانست به طرق گوناگون تفسیر شود. در نتیجه شورای امنیت در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۰، قطع‌نامه ۶۶۶ را به تصویب رساند و مکانیسم ارائه کمک‌های نوع‌دوستانه به افراد غیرنظامی را روشن ساخت. هم‌چنین «شرایط ویژه انسان‌دوستانه»، مندرج در پاراگراف بند ۳ و بند ۴ قطع‌نامه ۶۶۱، که سبب برداشت‌های مختلف می‌شد، تا حدودی تبیین و تفسیر گردید. قبل از تصویب قطع‌نامه ۶۶۶، پیش‌نویس قطع‌نامه دیگری که توسط کوبا تهیه شده بود، در جلسه شورای امنیت طرح گردید که به تصویب نرسید.^{۱۷} اختلاف عمده در این دو قطع‌نامه، نحوه ارسال مواد غذایی به عراق و کویت بود. قطع‌نامه پیشنهادی کوبا، ارسال مواد غذایی را تحت هر شرایطی مجاز می‌دانست،^{۱۸} در حالی که قطع‌نامه ۶۶۶، روند طولانی نسبتاً پیچیده‌ای را برای ارسال مواد غذایی و کمک‌های پزشکی نوع‌دوستانه، به شرح زیر در نظر گرفته بود:

۱- ارزیابی وضعیت مواد غذایی در عراق و کویت توسط دبیرکل از طریق کسب اطلاعات از ملل متحد ذی‌ربط و دیگر مؤسسات انسان‌دوستانه؛

۲- بررسی این ارزیابی توسط کمیته تحریم و احراز این‌که آیا مقاصد «مقتضیات انسانی» قید شده در قطع‌نامه ۶۶۱، حاصل شده است یا نه؟

۳- در صورت احراز مقتضیات انسانی، تهیه مواد غذایی از طریق سازمان ملل و با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یا دیگر سازمان‌های نوع‌دوستانه انجام گرفته، از طریق آنان یا با نظارت آن‌ها توزیع گردد.

در قطع‌نامه از دبیرکل خواسته شده که در کسب اطلاعات مربوطه، توجه خاصی به وضعیت کودکان زیر پانزده سال، زنان باردار، بیماران و افراد مسن مبذول شود. تصریح

قطع نامه، به اشخاص یاد شده، ریشه در مقررات کنوانسیون ژنو و پروتکل های ضمیمه دارد.^{۱۹}

بند ۸ قطع نامه با تأکید بر این که کمک های منحصرأ پزشکی، از مقررات قطع نامه ۶۶۱ مستثنا می باشد، بیان می دارد که ارسال این کمک ها باید تحت نظارت دقیق دولت کشور صادرکننده یا از طریق سازمان های بشردوستانه مناسب صورت می گیرد. همان گونه که در مباحث بعدی ذکر خواهد شد، به رغم پیش بینی های یاد شده در زمینه حمایت از غیرنظامیان، در عمل به دلیل عوامل گوناگون، استانداردهای لازم رعایت نگردید.

ج - ادامه تحریم ها پس از برقراری آتش بس

بعد از آزادسازی کویت و شکست ارتش عراق از نیروهای متحدین، این کشور مجبور گردید تا شرایط آتش بس مندرج در قطع نامه ۶۸۷ را که در سوم آوریل ۱۹۹۱ به تصویب شورای امنیت رسید بپذیرد. از جمله این شرایط، پرداخت غرامت جنگی، علامت گذاری مرزی بین کویت و عراق و انهدام سلاح های کشتار جمعی توسط عراق بود. در این قطع نامه، شورای امنیت جهت تضمین اجرای تعهدات فوق توسط عراق، خصوصاً خلع سلاح، تحریم های اقتصادی مندرج در قطع نامه ۶۶۱ را ابقا نمود. البته تسهیلات بیشتری در جهت تهیه مواد غذایی و دارویی و نیازهای حیاتی مردم عراق منظور گردید.^{۲۰} با این حال، برخی از کشورهای عضو شورای امنیت از جمله یمن، کوبا و هند در جلسه تصویب قطع نامه ۶۸۷، خواستار لغو تحریم های غیرنظامی علیه عراق شدند.^{۲۱} اتریش و فرانسه نیز از وضعیت غیرنظامیان در عراق ابراز نگرانی نمودند.^{۲۲}

د - برنامه نفت در برابر غذا

همان گونه که ذکر گردید، غذا و برخی مواد ضروری تحت شرایطی از تحریم استثنا شده بودند، اما به دلیل نبودن منبع مالی کافی، عملاً تهیه و واردات این کالاها امکان پذیر نبود. در نتیجه تحریم معاملات نفتی عراق در ماه های اول خسارات سنگینی بر اقتصاد عراق داشت.

در ۱۵ ژولای ۱۹۹۱، دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش صدرالدین آقاخان، نماینده اجرایی خود در برنامه‌های انسان‌دوستانه را به اعضای سازمان ارائه داد. این گزارش اعلام نمود که «میزان خسارت و نقصان در عراق واقعاً غم‌انگیز است» و «تأثیر مجازات‌ها بر اقتصاد و شرایط زندگی جمعیت غیرنظامی عراق، خیلی بنیادین بوده و هنوز هم بسیار اساسی است».^{۲۳}

گزارش آقاخان سبب جلب توجه اعضای شورای امنیت به وضعیت نامساعد انسانی در عراق شد، در نتیجه شورا با تصویب قطع‌نامه‌های ۷۰۶ و ۷۱۲ به عراق اجازه داد که در مدت شش ماه حداکثر ۱/۶ میلیارد دلار، نفت خود را برای تهیه مواد غذایی و دیگر ملزومات اساسی بفروشد (برنامه نفت در مقابل غذا).^{۲۴} البته قابل ذکر است که بر اساس تصمیم شورا، حدود ۱/۳ از درآمدهای نفتی عراق باید به عنوان غرامت جنگی به صندوق ویژه‌ای واریز می‌شد. اگرچه اقدام شورا در تجویز فروش نفت گام مثبتی در جهت بهبود وضع مردم عراق بود اما در مقابل عمق بحران اقتصادی عراق بسیار ناچیز بود. چین به قطع‌نامه رأی مثبت داد اما اعلام نمود که «شورای امنیت در جهت توصیه‌های آقاخان تصمیم مقتضی اتخاذ ننموده است». چین هم چنین اعتقاد داشت که «میزان نفت تجویز شده در قطع‌نامه جهت صادرات توسط عراق، برای رفع نیازهای انسانی مردم عراق کافی نیست».^{۲۵}

به‌رغم تحول فوق، عراق از اجرای برنامه «نفت در برابر غذا» امتناع نمود. تا این‌که در سال ۱۹۹۵ شورای امنیت با تصویب قطع‌نامه ۹۸۶ میزان نفت صادراتی عراق را به یک میلیارد دلار در هر سه ماه (دو میلیارد دلار در هر شش ماه) افزایش داد. متعاقباً در سال ۱۹۹۶ عراق با اجرای برنامه نفت در برابر غذا موافقت نمود.

اگرچه قطع‌نامه‌های متعدد دیگری در زمینه تحریم‌های اقتصادی عراق و مکانیسم‌های کمک‌های انسان‌دوستانه و هم‌چنین افزایش نفت صادراتی توسط عراق به تصویب شورای امنیت رسیده است^{۲۶}، اما اصل تحریم‌ها همچنان به حال خود باقی است و بهبود وضعیت مردم در عراق به حدی نبوده است که نگرانی جامعه بین‌المللی را برطرف نماید. علاوه بر این‌که تداوم تحریم‌ها در ده سال گذشته آثار عمیقی به جای

گذاشته است که در کوتاه مدت قابل درمان نیست.

(۲) آثار تحریم‌ها بر زندگی مردم عراق

وضعیت اسفناک و پرمحنت اقتصادی و اجتماعی مردم عراق امری غیر قابل تردید می‌باشد. عوامل متعددی از جمله سیاست‌های جاه‌طلبانه دولت عراق در جنگ با ایران (۱۹۸۰-۱۹۸۸)^{۲۷} و اشغال کویت (۱۹۹۰) و پیامدهای آن از جمله تحریم‌های سازمان ملل علیه این کشور و تداوم ده‌ساله آن، در پیدایش چنین وضعیت نابه‌سامان نقش داشته است. با وجود این براساس گزارش‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، تحریم‌های شورای امنیت در به وجود آمدن شرایط فعلی از جمله رنج مردم غیرنظامی عراق، نقش قابل توجهی داشته است. با این‌که هدف تحریم‌ها وارد کردن فشار بر هیأت حاکمه کشور مورد نظر می‌باشد، در عمل موفقیت کم‌تری حاصل شده و غیرنظامیان بیش‌تر از کسانی که قدرت را در اختیار دارند، آسیب دیده‌اند.^{۲۸} مدعای فوق حداقل در مورد عراق صحت دارد؛^{۲۹} مراقبت‌های پزشکی، تصفیه‌سازی آب و خدمات بهداشتی به واسطه فقدان لوازم یدکی و تجهیزات در نتیجه تحریم‌ها، به شدت صدمه دیده‌اند^{۳۰} و مردم عراق به واسطه گرسنگی و فقدان آب سالم، بهداشت و مراقبت‌های اولیه پزشکی، با خطر قریب‌الوقوع مرگ مواجه هستند.^{۳۱}

اگرچه غذا و دارو تحت شرایطی که ذکر گردید از تحریم‌های تجاری علیه عراق استثنا شده‌اند، اما مردم عراق از کمبود این مواد در رنج‌اند، زیرا اولاً، سیستم غذا در برابر نفت که به تصویب شورای امنیت رسید تا سال ۱۹۹۶ به دلیل امتناع عراق از فروش نفت خود، به طور کامل اجرا نشد.

ثانیاً، با توجه به سطح نیاز و شدت بحران اقتصادی و گزارش‌های آماری که ذیلاً بیان خواهد شد، حتی اجرای این سیستم نیز پاسخ‌گوی نیاز مردم عراق نبوده است و دولت عراق هرچند سیستم نفت در برابر غذا را پذیرفت اما درآمد حاصل از آن، ارزش مورد نیاز را برای تأمین کالاهای اساسی تأمین نکرد.

گزارش‌هایی که ذیلاً بیان خواهد شد توسط ارگان‌های مختلف و در زمان‌ها-

مختلف ارائه شده، در نتیجه ممکن است آمار و ارقام ذکر شده در این گزارش‌ها در برخی موارد متضاد به نظر برسند، اما در مجموع این گزارش‌ها نشان دهنده یک تراژدی غم‌انگیز انسانی در عراق است.

اقتصاد عراق به علت تک‌محصولی بودن، نسبت به تحریم‌های اقتصادی دیگر کشورها، به شدت آسیب‌پذیر است:

۹۵ درصد درآمد ارز خارجی عراق از نفت به دست می‌آید و کشور تنها $\frac{1}{3}$ مواد غذایی مورد نیاز خود را در داخل تولید می‌کند. واردات غذا دو - سه میلیارد دلار در سال هزینه دربردارد. کشور عراق حدود صد میلیارد دلار از درآمد نفتی خود را به دلیل تحریم‌ها از دست داده است.^{۳۲}

درآمد ناخالص سالانه عراق برای هر فرد از ۲۹۰۰ دلار در سال ۱۹۹۰ به شصت دلار در سال ۱۹۹۸ کاهش یافته است، در حالی که دینار عراقی در سال ۱۹۸۹ معادل سه دلار بود اکنون ۱۵۰۰ دینار عراقی لازم است تا با یک دلار برابری کند.^{۳۳} در نتیجه تحریم نفتی، واردات عراق از سال ۱۹۹۰ به شدت کاهش یافته است. گزارش‌ها بیان‌گر آن است که قیمت مواد غذایی از زمان پایان جنگ، ۵۵۰ برابر شده است، در حالی که درآمدها فقط دو - سه برابر گردیده است. یک قوطی شیر خشک یا یک شانه تخم مرغ اکنون هزار دینار عراقی ارزش دارد که حدود نصف حقوق ماهیانه یک استاد دانشگاه می‌باشد.^{۳۴}

بر اساس گزارش صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)^{۳۵} در سال ۱۹۹۴:

اکنون کمبود کالری در میان عراقی‌ها، زندگی ۳/۵ میلیون نفر از جمله ۱/۵۸ میلیون کودک زیر پانزده سال و ۲۳۰۰۰۰ زن باردار یا نوزاددار را مورد تهدید قرار داده است. اکنون اعتقاد بر این است که بسیاری از کودکان به صورت عقب‌افتاده ذهنی متولد خواهند شد؛ میزان مرگ و میر اطفال در طول سه سال دو برابر شده، و در آینده نیز افزایش خواهد یافت.^{۳۶}

در سال ۱۹۹۴، توماس اکفال^{۳۷}، نماینده یونیسف در بغداد، گزارش داد:

نیم میلیون کودک - بیش از نه هزار نفر در هر ماه - به سبب سوء تغذیه و بیماری

ناشی از تحریم‌ها زندگی خود را از دست داده‌اند و ۱/۵ میلیون کودک دیگر در صورت

ادامه داشتن تحریم‌ها در معرض خطر مرگ قرار دارند.^{۳۸}

هم‌چنین بررسی سازمان بهداشت جهانی^{۳۹} در سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که اکثریت غالب جمعیت کشور، چندین سال در حالت نیمه‌گرسنگی به سر برده‌اند.^{۴۰} بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱/۳ کودکان عراق زیر پنج سال (۹۶۰۰۰۰ نوزاد و طفل) متناوباً سوء تغذیه داشته‌اند.^{۴۱}

علاوه بر سوء تغذیه، به دلیل آثار کلی تحریم‌ها بر خدمات بهداشتی عراق که در شرف فروپاشی است،^{۴۲} میزان بیماری روبه افزایش است. بخشی از نقص‌ها به جهت کمبود شدید لوازم پزشکی و فروپاشی سیستم‌های حیاتی کشور ناشی از محاصره اقتصادی عراق می‌باشد.^{۴۳} بر اساس گزارشی از سازمان ملل در ۱۹۹۷، بیش از ۱/۲ میلیون نفر - اکثراً کودکان - به دلیل کمبود خدمات پزشکی در طول هفت سال تحریم تجاری سازمان ملل علیه عراق مرده‌اند.^{۴۴}

اضافه بر این، مراکز تولید برق، تصفیه‌خانه‌های آب و سیستم‌های فاضلاب طی جنگ ویران شده و هنوز بازسازی نشده‌اند. سیستم‌های آب‌رسانی با ظرفیت کم‌تر از نصف خود کار می‌کنند.^{۴۵}

سیستم آموزشی نیز به واسطه تحریم‌ها آسیب دیده است. بسیاری از کودکان عراقی یا خارج از مدرسه هستند یا به طور غیرمنظم در مدرسه حضور دارند^{۴۶} و ۲۵ درصد کودکان در مدارس ابتدایی ثبت‌نام نکرده‌اند.^{۴۷}

با ملاحظه تمامی حقایق فوق روشن می‌گردد که تحریم‌های اعمال شده، علاوه بر آثار سوء فعلی، شکل آینده جامعه اقتصادی و سیاسی عراق را حتی اگر حکومت دیگری به قدرت برسد، تحت تأثیر قرار خواهد داد.^{۴۸} گراهام براون استدلال می‌کند که:

مجازات‌های اقتصادی یک نوع فرسایش اصلی را در ساختار جامعه عراق به وجود

آورده است که بدون توجه به نوع حکومتی که در قدرت باشد، عواقب طویل‌المدت

خواهد داشت. زمانی مجازات‌ها پایان می‌یابد و وضعیت تغییر پیدا می‌کند اما جامعه

عراق به سادگی به شرایطی که قبل از سال ۱۹۹۰ وجود داشت، برنخواهد گشت.^{۴۹}

۳) دیدگاه‌ها و ارزیابی تحریم‌ها

همان‌گونه که ذکر گردید عوامل متعددی، خصوصاً اعمال تحریم‌های سازمان ملل در به وجود آمدن بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه عراق دخالت داشته است. با وجود این، برخی از نویسندگان از وضع تحریم‌های اقتصادی علیه عراق حمایت نموده و آن را مثبت ارزیابی نموده‌اند. جوینر، تحریم‌های عراق را یک الگوی ایده‌آل در تصویب مجازات‌ها در قبال نقض حقوق بین‌الملل می‌داند و اعلام می‌دارد:

آنچه روشن است این است که تلاش برای مجازات بین‌المللی علیه عراق، ثبات سازمان ملل را به عنوان یک نهاد بین‌المللی تقویت نموده و سبب ایجاد یک بنیاد قوی برای اجرای مؤثر تلاش‌های اجرایی بعدی است.^{۵۰}

در این دیدگاه، رنج و وضع نابه‌سامان مردم عراق که از تحریم‌ها ناشی شده است، مورد تأیید قرار گرفته و به گونه‌ای توجیه می‌گردد؛ به طور مثال، دامروچ اعتقاد دارد که «تحریم‌ها اخلاقاً قابل توجیه می‌باشند اگر چه مردم بی‌گناه زیادی از آن‌ها رنج برده‌اند.»^{۵۱} وی استدلال می‌کند که:

در جایی که کل جامعه بین‌المللی منفعت مشترک داشته باشند تحریم‌ها می‌توانند در خدمت تقویت معیارهای اخلاقی و حقوقی قرار می‌گیرند؛ خصوصاً در مورد معیارهایی از قبیل منع تجاوز و نسل‌کشی که خود این‌ها نظر به حفظ زندگی بشر دارند. تحمل سختی خیلی شدید مردم ممکن است به منظور منع یا حداقل تقلیل تخلفات بعدی لازم باشد.^{۵۲}

رهیافت دامروچ اگرچه ممکن است در کلیت و تئوری قابل قبول باشد اما در عمل و در تعیین مصادیق عملی آن ابهام‌های زیادی وجود دارد؛ به طور مثال، در قضیه عراق آیا اجرای تحریم‌ها منفعت مشترک جامعه بشری را در پی داشته است؟ حتی به فرض حصول این منفعت، آیا اعمال روش‌های دیگری که غیرنظامیان آسیب کم‌تری ببینند امکان‌پذیر نبود؟ از همه مهم‌تر، چه مقامی و براساس چه معیارهایی مصادیق نفع مشترک را تعیین و تعیین می‌نماید؟

دیدگاه‌های دیگری در این زمینه وجود دارد. برخی رئیس‌جمهور عراق را مسئول

وضعی فعلی عراق و مستحق ملامت می دانند و استدلال می کنند که غذا و دارو از مجازات های سازمان ملل استثنا شده اند؛ به طور مثال، نماینده ایالات متحده امریکا در شورای امنیت تأکید نمود که صدام مسئول «بدبختی مردم عراق است».^{۵۳} هم چنین استدلال می شود که وضعیت انسانی موجود در عراق نتیجه مستقیم کوتاهی صدام حسین در رعایت شرایط آتش بس جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ می باشد.^{۵۴}

آلن به امتناع رژیم عراق از اجرای قطع نامه های ۷۰۶ و ۷۱۲ شورای امنیت در زمینه «سیستم نفت در مقابل غذا» اشاره می کند و اعتقاد دارد که این حکومت عراق است که سبب مجازات های اقتصادی علیه عراق شده است.^{۵۵}

کلارک^{۵۶} از معاونین وزارت دفاع وقت حزب محافظه کار انگلیس معتقد است تنها راه مجبور ساختن عراق از واردات برای توسعه تسلیحات، تحریم کلیه مبادلات تجاری با عراق است. وی می افزاید که عراق باید به شرایط عصر حجر برگردد!^{۵۷}

به رغم ادعاهای فوق، نمی توان کمبودهای مواد غذایی یا دارویی را تنها به سوء استفاده رژیم عراق از برنامه نفت در برابر غذا نسبت داد؛^{۵۸} به عبارت دیگر، حتی اگر سیستم نفت در برابر غذا به طور کامل هم اجرا می شد با توجه به ملاحظاتی که در ذیل بیان خواهد شد، تنها کمک خیلی محدودی به مردم عراق صورت می گرفت. آقاخان، فرستاده دبیرکل سازمان ملل متحد به عراق، در گزارش خود در سال ۱۹۹۱،^{۵۹} هزینه های لازم جهت بازگرداندن سیستم های چهارگانه زیر را به حالت قبل از جنگ، چنین برآورد می کند:

الف - دوازده میلیارد دلار برای سیستم تولید انرژی؛

ب - شش میلیارد دلار برای بخش نفت؛

ج - ۴۵۰ میلیون دلار جهت سیستم آب و فاضلاب؛

د - ۲/۶۴ میلیارد دلار برای واردات غذا و پانصد میلیون دلار جهت واردات

^{۶۰}ی زرواشکت لاوصحم با توجه به ارقام فوق آشکار می گردد که اجرای سیستم نفت در برابر غذا که در ابتدا فروش ۱/۳۲ میلیارد دلار نفت برای نیازهای انسان دوستانه از قبیل دارو و غذا برای هر شش ماه تعیین شده بود، پاسخ گوی نیازهای واقعی مردم عراق نبوده

است. دبیرکل سازمان ملل متحد، کوفی عنان، در گزارش خود به شورای امنیت در موارد اجرای برنامه نفت در برابر غذا تصریح نمود که:

به‌رغم این واقعیت که با اجرای برنامه نفت، مواد لازم تحویل شده است، کمیت دریافت شده تا این تاریخ کافی نیست. در موارد زیادی مقدار مواد تحویل شده تاکنون، بیست درصد از نیازمندی‌ها را پوشش می‌دهد.^{۶۱}

کوفی عنان هم‌چنین اعتقاد دارد که:

آنچه بر اساس قطع‌نامه‌های ۹۸۶ و ۱۱۱۱ مقرر شده است، با وجود دریافت به موقع تمام مواد، حتی به عنوان اقدام موقتی، پاسخ‌گوی تمامی نیازهای انسان‌دوستانه مردم عراق نخواهد بود.^{۶۲}

دبیرکل در گزارش خود که در اول فوریه ۱۹۹۸ منتشر شد توصیه نمود که برای تأمین کالاهای مورد نیاز، به عراق اجازه فروش دو میلیارد دلار نفت بیش‌تر داده شود.^{۶۳} شورای امنیت در پاسخ به درخواست دبیرکل، با تصویب قطع‌نامه ۱۱۵۳ در ۲۰ فوریه ۱۹۹۸ به عراق اجازه داد که ۵/۲۵۶ میلیارد دلار نفت را برای مدت شش ماه بفروشد. توصیه دبیرکل مؤید آن بود که توزیع مواد غذایی و دارویی تا زمان ارائه گزارش برای بهبود وضعیت کافی نبوده است.

تحریم‌ها می‌توانند در خدمت تقویت معیارهای اخلاقی و حقوقی قرار می‌گیرند با توجه به ملاحظات فوق در زمینه عدم توجه به نیازهای واقعی مردم غیرنظامی عراق و عدم توجه به مکانیسم‌ها و راه کارهای مناسب در جهت تأمین این نیازها، مسئله مسئولیت شورای امنیت در قبال رعایت قواعد حقوق بین‌المللی در زمینه حقوق بشردوستانه قابل طرح است.

۴) استانداردهای بین‌المللی حقوق بشردوستانه

بر اساس مقررات بین‌المللی، به خصوص «کنوانسیون چهارم ژنو» و پروتکل‌های ضمیمه ۱۹۷۷ ژنو، باید از افراد غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه حمایت شود: گرسنه نگهداشتن مردم غیرنظامی منع شده^{۶۴} و عملیات امداد، از نظر رساندن

آذوقه، دارو، پوشاک و غیره باید مجاز باشد.^{۶۵}

با بررسی قواعد کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر دوستانه آشکار می‌گردد که وضعیت موجود جامعه عراق با معیارهای مندرج در این معاهدات سازگار نیست. اگرچه هدف اصلی این کنوانسیون‌ها حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ است، به طریق اولی رعایت آن‌ها در زمان صلح نیز الزام آور است.

مهم‌ترین معاهدات در زمینه حقوق بشر دوستانه، قراردادهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی به آن‌ها می‌باشند که قواعد جامعی را در باب جنگ تدوین نموده‌اند. مبنای قراردادهای ژنو، احترام به شخصیت و حیثیت انسانی است. این قراردادها مقرر می‌دارند: اشخاصی که مستقیماً در مخاصمات شرکت ندارند، باید مورد احترام قرار گیرند و در مقابل عواقب جنگ حمایت شوند. قرارداد چهارم ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ می‌باشد و بر موارد زیر تأکید دارد:

۱- مجاز بودن عملیات امداد به جهت آذوقه، دارو، پوشاک و...^{۶۶}

۲- ادامه دادن مردم غیرنظامی به زندگی عادی خود و لزوم حفظ نظم عمومی توسط دولت اشغال‌گر.^{۶۷}

۳- رعایت مقررات ویژه در صورت بازداشت افراد، در زمینه اماکن بازداشت، غذا، پوشاک، بهداشت و...^{۶۸}

۴- مکلف بودن دولت اشغال‌گر به مراقبت از اطفال، ارائه خدمات طبی، بهداشتی و فراهم کردن نیازهای غذایی مردم.^{۶۹}

۵- حفاظت و نگه‌داری تأسیسات طبی و بیمارستانی و عدم مصادره اشیا و لوازم طبی بیمارستان‌ها برای رفع نیاز نفوس کشور جهت جلوگیری از توسعه بیماری‌های مسری.^{۷۰}

۶- احترام به زنان و کودکان و حمایت از آنان در برابر هرگونه هتک حرمت.^{۷۱}

ماده ۵۴ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو اعلام می‌دارد که «گرسنگی دادن غیرنظامیان به عنوان یک حربه جنگی ممنوع است». بند دوم همین ماده، آسیب رساندن به وسایل ضروری کشاورزی و وسایل تهیه آب آشامیدنی را به هر

انگیزه‌ای که باشد منع می‌کند.

همان‌گونه که اشاره شد مقررات فوق ناظر به زمان جنگ است. با وجود این نباید تصور نمود که در وضعیت‌های غیرجنگ، تعهدی در این زمینه وجود ندارد. بر عکس باید استدلال نمود که وقتی کشورها در زمان جنگ (که رعایت مقررات بین‌الملل به واسطه شرایط خاص مشکل می‌باشد) ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه می‌باشند، به طریق اولی در زمان صلح و در حالت غیر جنگی باید این قوانین را رعایت کنند؛ به عبارت دیگر، تعهدات کشورها در رعایت و اجرای این قواعد در حالت غیر جنگی مسلّم و بدیهی تلقی شده است و کنوانسیون‌های مذکور خواسته‌اند این الزام را در زمان جنگ نیز ابقا نمایند.

علاوه بر این، کشورها بر اساس حقوق بشر بین‌المللی دارای تعهداتی در زمینه رعایت روح برادری، حق زندگی، امنیت، عدم مجازات و رفتار ظالمانه نسبت به انسان‌ها می‌باشند.^{۷۲} ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلام می‌دارد:

۱- هرکس حق دارد که سطح زندگی و سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند....

۲- مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند....

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز متضمّن آن است که: «... در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از مسائل معاش خود محروم کرد».^{۷۳}

با مطالعاتی که در مبحث گذشته در ارتباط با وضعیت مردم عراق خصوصاً زنان و کودکان انجام شد، روشن می‌گردد که ایجاد این وضعیت، نقض صریح مقررات یاد شده می‌باشد. حال باید بررسی نمود که آیا شورای امنیت می‌تواند براساس منشور، این مقررات را نادیده بگیرد؟

مقررات منشور ملل متحد و حقوق بشردوستانه

ممکن است با استناد به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد استدلال گردد که شورای امنیت موظف به رعایت حقوق ژنو در زمینه استانداردهای بشردوستانه نمی‌باشد؛ به عبارت

دیگر، ادعا شود که مقررات منشور از جمله تجویز تحریم‌های اقتصادی، بر کنوانسیون‌های دیگر برتری دارد.

ماده ۱۰۳ مقرر می‌دارد:

در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آن‌ها بر طبق هر موافقت‌نامه دیگر، تعهدات آن‌ها به موجب این منشور مقدم خواهد بود.

بررسی تحلیلی ماده ۱۰۳ نیاز به تحقیق مستقلی دارد اما به اختصار می‌توان استدلال نمود که اولاً: ممکن است برتری منشور نسبت به تعهداتی باشد که قبل از تصویب منشور وجود داشته‌اند، نه تعهداتی که بعد از منشور ایجاد گردیده‌اند؛ ثانیاً: با عنایت به ظاهر ماده ۱۰۳، برتری منشور نسبت به معاهدات بین‌المللی است نه حقوق عرفی؛ ثالثاً: حتی به فرض پذیرفتن برتری مواد منشور، با توجه به روح منشور، می‌توان ماده ۴۱ را به گونه‌ای تفسیر و اعمال نمود که تضاد آن با حقوق بشر دوستانه به حداقل برسد. مثال عملی این روش، همان‌گونه که بیان خواهد شد، تحقیقات و تلاش‌هایی است که در حال حاضر جریان دارد تا آثار تحریم‌ها بر غیرنظامیان را به حداقل برساند و بیشتر متوجه حاکمان سیاسی متخلف گرداند.

در نتیجه برخی صاحب‌نظران به صراحت بیان می‌دارند که مواد منشور بر حقوق بشر دوستانه برتری ندارد. به طور مثال اسکالر اعلام می‌دارد:

ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد به شورای امنیت صلاحیت نمی‌دهد تا کنوانسیون

چهارم ژنورا به تعلیق درآورد.^{۷۴}

گاردام نظر مشابهی دارد و معتقد است:

ماده ۱۰۳ منشور تغییری در نیاز به رعایت حقوق بین‌الملل عمومی توسط شورای

امنیت در اقداماتش تحت ماده ۴۱ ندارد.^{۷۵}

دیدگاه‌ها و مواضع کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل نیز تلویحاً این نظر را تأیید می‌کند که صلاحیت شورا تحت ماده ۴۱ مطلق نیست. وی در گزارش سال ۱۹۹۹ خود به مجمع عمومی بیان می‌دارد:

به طور روزافزون پذیرفته شده است که طراحی و اجرای مجازات‌های اعمال شده توسط شورای امنیت، نیازمند توسعه و ترقی است، و باید هزینه‌های انسانی آن‌ها بر جمعیت غیرنظامی تا حد امکان کاهش یابد.^{۷۶}

با اثبات تعهد شورای امنیت به رعایت حقوق ژنو، مسئله مسئولیت شورا در قضیه عراق قابل طرح است؛ به طور مثال، رایزمن^{۷۷} و استویک،^{۷۸} ضمن ارزیابی تأثیرات تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل بر مردم عادی کشورهای مورد تحریم، از جمله عراق نتیجه می‌گیرند که: «شورای امنیت در اجرای این برنامه توجه کافی به استانداردهای حقوق بین‌الملل ننموده است.»^{۷۹} همین‌طور پرؤست اعتقاد دارد که شورای امنیت «معیارهای امری بشردوستانه متعددی را در اجرای تحریم مواد غذایی علیه عراق نقض نموده است.»^{۸۰}

وی با اشاره به مقررات مواد ۵۴ و ۷۰ پروتکل اول ژنو اعلام می‌دارد:

اقدامات اتخاذ شده سازمان ملل علیه عراق، نقض معیارهای امرانه حقوق بین‌المللی می‌باشد.^{۸۱} سازمان ملل به عنوان مظهر قواعد حقوق بین‌المللی باید کوشش کند تا ناملایمات را از طریق اقدام مشروع و تنها در محدوده روش‌های حقوقی متنوع مندرج در منشور ملل متحد، تصفیه نماید. به جای سستی و کوتاهی، سازمان ملل باید در این زمینه در خط مقدم اجرای تمامی معیارهای حقوق بین‌المللی بشردوستانه باشد.^{۸۲}

در واقع، منشور ملل متحد به شورای امنیت مجوز نمی‌دهد تا کنوانسیون‌های ژنو را به تعلیق درآورد. اسکِیِر با اشاره به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، استدلال می‌کند که این رأی «توانایی شورای امنیت را در نادیده گرفتن اعمال کنوانسیون‌های ژنو را در قضیه تحریم عراق محدود می‌سازد.»^{۸۳} هم‌چنین رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هشدار داده است که تحریم جامع علیه عراق، با حقوق بین‌الملل مغایر خواهد بود.^{۸۴}

۵) لزوم بازنگری در سیستم تحریم‌های اقتصادی

آثار منفی تحریم‌ها در عراق و انعکاس آن در جامعه بین‌المللی، سبب گردیده است تا تلاش‌های متعددی در جهت ممانعت یا کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر مردم غیرنظامی کشور مورد نظر صورت گیرد. در این راستا دبیرکل سازمان ملل اعلام می‌دارد:

من با این نظر - که به عنوان یک اجماع بین کشورهای عضو ظاهر شده است -

موافقم که طراحی و اجرای مجازات‌های شورای امنیت باید ترقی پیدا کند.^{۸۵}

حتی شورای امنیت در مورد تحریم‌ها به بحث پرداخته و در نتیجه یک گروه کاری تأسیس نمود تا توصیه‌های عمومی را در جهت توسعه تأثیر تحریم‌ها به شورا ارائه دهد.^{۸۶} تحقیقاتی نیز توسط برخی کشورها از جمله سوئیس و کانادا در حال انجام است تا طراحی و اعمال مجازات‌ها به نحو مطلوب‌تری انجام پذیرد.^{۸۷}

یکی از راه‌های پیشنهادی در تحقق اهداف فوق، اعمال تحریم‌های جهت‌دار^{۸۸} می‌باشد. کوفی عنان در مناسبت‌های مختلف، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت مردم عادی از تحریم‌ها، به لزوم بازنگری در اعمال تحریم‌ها تأکید نموده است:

مجازات‌ها که اغلب در مضمیقه گذاشتن حاکمان مقصر ناموفق بوده‌اند و آسیب‌های

غیرضروری فراوانی را بر مردم بی‌گناه وارد ساخته‌اند، باید بهتر هدف‌گیری شوند.^{۸۹}

آندره کسلف^{۹۰} وزیر خارجه روسیه نیز در یکی از جلسات شورای امنیت با اشاره به

تحریم‌های علیه عراق اعلام نمود:

چنین مجازات‌هایی به منظور تنبیه مردم وضع شده‌اند، آن‌ها باید به سوی

سیاستمداران جهت‌گیری شوند... مجازات‌ها نباید کسانی را تنبیه کنند که توانایی

ناچیزی در تصحیح وضعیت‌ها دارند و باید چهارچوب روشن نوع‌دوستانه در این زمینه

ایجاد گردد.^{۹۱}

بررسی امکان لغو تحریم

در نتیجه تأثیر تحریم‌ها بر غیرنظامیان و دیگر تحولات سیاسی، از اواسط سال ۱۹۹۴ سه عضو دائم شورای امنیت یعنی روسیه، چین و فرانسه خواستار تخفیف و انعطاف در تحریم‌های اقتصادی علیه عراق شده‌اند.^{۹۲} در مقابل، سخت‌گیری امریکا و انگلیس در برابر عراق و خواسته آن‌ها مبنی بر رعایت کامل قطع‌نامه‌های شورای امنیت مانع از لغو تحریم‌ها شده است. انگلیس با وجود این‌که به مشکلات مردم غیرنظامی عراق اذعان دارد، تصریح نموده است که «موردی برای تخفیف تحریم‌ها وجود ندارد.»^{۹۳}

به هر حال برای لغو تحریم‌ها موافقت پنج عضو دائم لازم است و وتوی یک عضو دائم می‌تواند مانع از این امر شود. در واقع این وضعیت بیان‌گر کاربرد حق وتو در نوعی متفاوت از گذشته می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در دوران جنگ سرد، اعضای دائم شورا، وتو را برای ممانعت از اتخاذ تصمیم اولیه مثلاً در اعمال تحریم‌ها اعمال نموده‌اند، اما اکنون اعمال وتو تهدید متفاوتی را نسبت به روند امور در شورا به وجود آورده است و مانع از آن شده است که سازمان ملل از تصمیمی که قبلاً اتخاذ کرده است برگردد.^{۹۴}

نتیجه

شورای امنیت بر اساس ماده ۴۱ منشور ملل متحد، صلاحیت اعمال تحریم‌های اقتصادی را علیه کشور متخلف دارد اما براساس حقوق عرفی بشردوستانه که بعد از تصویب منشور در قالب کنوانسیون‌های متعددی تدوین گردید، استانداردهای ویژه‌ای در جهت حمایت از مردم غیرنظامی خصوصاً زنان و کودکان پیش‌بینی شده است. در قضیه عراق بسیاری از این استانداردها نقض شد. و کودکان و زنان قربانیان اصلی این فاجعه گردیده‌اند. چون اعمال تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت علیه عراق یکی از عوامل مهم وضع اسفناک اقتصادی - اجتماعی مردم عراق می‌باشد، سازمان ملل نمی‌تواند مسئولیت خود را در این زمینه انکار نماید.

در نتیجه شورای امنیت در اعمال صلاحیت خود در تصویب تحریم‌ها باید روش‌ها و

مکانیسم‌های مناسبی اتخاذ نماید تا آسیب به افراد بی‌گناه کشور مورد تحریم را به حداقل برساند. یکی از این روش‌ها، جهت‌دار نمودن تحریم‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که نوک تیز آن متوجه رژیم سیاسی حاکم بر کشور مورد نظر باشد. یک پیشنهاد ساده، ابقای تحریم‌های تسلیحاتی و نظامی و لغو تحریم‌های اقتصادی و نفتی است و نظارت و کنترل لازم برای اطمینان از عدم استفاده توانایی‌های مالی در جهت خرید تسلیحات کشتار جمعی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

۱. ماده ۳۹ منشور ملل متحد.
۲. در اصل ۱۶ میناق جامعه ملل نیز مجازات‌های مشابهی پیش‌بینی شده بود.
3. SC Resolutions 216 (12 November 1965); 217 (20 November 1965); 221 (9 April 1966); 232 (16 December 1966) and 409 (27 May 1977).
4. SC Resolutions 181 (7 August 1963), para. 3; 182 (4 December 1963) para. 5 and 418 (4 November 1977) para. 2.
5. SC Resolution 713 (25 September 1991).
6. SC Resolution 733 (23 January 1992).
7. SC Resolution 788 (19 November 1992).
8. SC Resolutions 731 (21 January 1992); 748 (31 March 1992) and 883 (11 November 1993).
9. SC Resolutions 841 (16 June 1993) and 875 (16 October 1993).
10. SC Resolution 1333 (19 December 2000).
۱۱. نمایندگان کوبا و یمن که به قطع‌نامه رأی ممتنع دادند، معتقد بودند که می‌بایستی به تلاش‌های میانجی‌گرانه در جهت حل مسالمت‌آمیز بحران، فرصت بیش‌تری داده می‌شد و به نقش جامعه عرب در این مورد توجه می‌شد. نماینده یمن گفت: ما از اتخاذ هر تصمیمی در شورای امنیت که منجر به ضایع شدن تلاش‌های کشورهای عربی گردد، اجتناب می‌نماییم و به این دلیل به قطع‌نامه رأی ممتنع خواهیم داد. متعاقب تصویب قطع‌نامه، عراق طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد (S/21503)، قطع‌نامه تحریم را غیرعادلانه، تند و شرارت‌آمیز قلمداد کرد و منظور از تصویب آن را به گرسنگی کشاندن مردم عراق ذکر نمود ر.ک: UN Chronicle, Vol. XX VII, No. 4 (December 1990) p. 212
۱۲. در قطع‌نامه ۴۲۱ شورای امنیت در قضیه آفریقای جنوبی نیز، چنین کمیته‌ای تأسیس گردید.
13. UN Chronicle, Vol. XXVII, No. 4 (December 1990) p. 12.
14. SC Resolution 665 (25 August 1990).
15. SC Resolution 670 (25 September 1990), para 2.
16. In Humanitarian Circumstances.
۱۷. این پیش‌نویس (S/21742/Rev. 1) با سه رأی مثبت (کوبا، یمن و چین) پنج رأی منفی و هفت رأی ممتنع رد شد. (ر.ک: S/PV. 2939 (14 September 1990), p. 6).
18. S/PV. 2939 (14 September 1990) p. 18-36.
۱۹. ر.ک: پاراگراف ۱ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو و مواد ۱۴، ۱۶ و ۳۸ (بند ۵) از کنوانسیون چهارم ژنو.
20. SC Resolution 687 (3 April 1991), para. 21.
21. UN Document: S/PV. 2981 (3 April 1991) in M. Weller (ed), Iraq and Kuwait: The Hostilities

- and their Aftermath, Cambridge International Documents Series, Vol 3 (Cambridge, Grotius Publications Ltd., 1993), p. 109, 111-112.
22. Ibid., p. 115-120.
23. UN Document 3/22799.
- این گزارش پس از بازدید هیأتی به سرپرستی آقاخان از بغداد از تاریخ ۲۹ ژوئن الی ۱۳ ژولای ۱۹۹۱ تهیه گردید. مأموریت هیأت ارزیابی نیازهای نوع دوستانه و توصیه اقدامات لازم برای رفع این نیازها بود. (ر.ک.: M. Weller (ed), op. cit., p. 637).
24. SC Resolution 706 (15 August 1991).
25. UN Document S/PV. 3004 (15 August 1991).
۲۶. به طور مثال ر.ک.: SC Resolutions 1051 (27 March 1996); 1111 (4 June 1997); 1129 (12 September 1997); 1143 (4 December 1997); 1153 (20 February 1998); 1158 (25 March 1998); 1175 (19 June 1998); 1210 (24 November 1998); 1242 (21 May 1999); 1266 (4 October 1999); 1275 (19 November 1999); 1280 (3 December 1999); 1284 (17 December 1999); 1293 (31 March 2000) and 1302 (8 June 2000).
۲۷. نصرآوی معتقد است که آثار تحریم‌های سازمان ملل را نمی‌توان از آثار اقتصادی جنگ عراق با ایران تفکیک نمود (۱۹۸۰-۱۹۸۸) ر.ک.:
- Abbas Alnasrawi, "Sanctions and the Iraq Economy", Seminar Paper: Iraq: Sanctions and Human Rights (Conference Held at the School of Oriental and African Studies, University of London, 11 March 1995), p. 12.
28. Adriaan Bos, op. cit., p. 447.
29. For example see: Anthony Parsons, "The Security Council - An Uncertain Future", The Davis Memorial, Institution of International Studies, Occasional Paper, No 8 (November 1994) p. 8.
30. Sarah Graham-Brown, "Aid to Iraq", Seminar Paper: Iraq Sanctions and Human Rights, op. cit.
31. Bashir Al-Samarrai, "Economic Sanctions Against Iraq: Do They Contribute to a Just Settlement?" in David Cortright and George A. Lopez (eds.) Economic Sanctions: Panacea or Peacebuilding in Post-Cold War World? (Boulder / San Francisco / Oxford: Westview Press, 1995) p. 135.
32. Adekeye Adebajo, "Saddam's Bazaar", The World Today, March 1998, p. 61. See also: Martin Shaw, "Sanctions in Perspective" Seminar Paper: Iraq: Sanctions and Human Rights, op. cit., p. 3.
33. Adekeye Adebajo, op. cit., p. 62.
- هم‌چنین درآمد ملی برای هر فرد، از بالای چهار هزار دلار به ۱۷۵۰ دلار در آخر جنگ ایران و عراق کاهش پیدا نمود. در سال ۱۹۹۳ میانگین درآمد شهروند عراقی حدود پانصد دلار بود. (ر.ک.: Abbas Alnasrawi,

op. cit., p. 13).

34. Steve Platt, "Sanctions Don't Harm Saddam", *New Settlement & Society*, 4 November 1995, p. 10 (Quoted in Sam Picture Jr., "UN Sanctions Against Iraq: Sanctioned Suffering", in <<http://psirus.sfsu.edu/intrel/irjournal/sp95/picture.html>>, p. 3.

گزارش‌های قبل از فوریه ۱۹۹۳ نشان می‌دهد که قیمت نان ۲۸۵۷ درصد، شیر خشک کودکان ۲۲۲۲ درصد و آرد ۴۵۳۱ درصد افزایش داشته است (ر.ک: Bashir Al-Samarrai, op. cit., p. 134).

35. UNICEF.

36. Sam Picture, op. cit., p. 4.

37. Thomas Ekfal.

38. Sam Picture, op. cit., p. 3.

39. World Health Organization (WHO).

40. Adekeye Adebajo, op. cit., p. 62.

41. *The Times*, 19 February 1998, p. 14.

گزارش سازمان بهداشت جهانی بیانگر آن است که «از زمان شروع تحریم‌ها، میزان مرگ کودکان زیر پنج سال شش برابر افزایش یافته است». ر.ک:

The Muslim News (UK), No. 106, 27 February 1998, p. 1.

42. Michael Binyon and Shirley English, *The Times*, April 15, 1998.

43. Sam Picture, op. cit., p. 4.

44. UN Report of September 1997, in *The Muslim News*, op. cit., p. 1.

در آوریل ۱۹۹۸، جرج گالوی نماینده حزب کارگر در مجلس عوام انگلیس، دختر بچه‌ای عراقی به نام مریم را که از نوعی بیماری خونی رنج می‌برد جهت مداوا به انگلیس آورد (ر.ک: *The Times*, April 15, 1995). در عراق صدها هزار کودک شبیه مریم وجود دارند که از این نوع مرض و بیماری‌های قابل پیشگیری دیگری رنج می‌برند. آن‌ها به دلیل نبودن دارو و لوازم پزشکی امیدی به بهبودی ندارند. اعتقاد بر این است که این کودکان به راحتی می‌توانند با ارائه قطره و آنتی‌بیوتیک‌ها مداوا شوند. (ر.ک:

Dr. Khalid Saleh's View, *The Times*, 19 February 1998, p. 14).

45. Adekeye Adebajo, op. cit., p. 63.

46. Sarah Graham - Brown, op. cit., p. 15.

Adekeye adebajo, op. cit., p. 63

۴۷. برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

48. Sarah Graham-Brown, op. cit.

49. Ibid., p. 15.

50. Christopher C. Joyner, "Sanctions, Compliance and International Law: Reflections on the United Nations' Experience Against Iraq", *Virginia Journal of International Law*, Vol, 32, No. 1 (1991) p. 46.

51. Lori Fiser Damrosch, "The Collective Enforcement of International Norms Through Economic Sanctions", *Ethics & International Affairs*, Vol. 8 (1994) p. 74-75.

52. Ibid.

53. UN Document: S/PV. 3004 (15 August 1991) in M. Weller (ed) op. cit., p. 158.

54. For example see: The Times, April 15, 1998.

55. Aziz Alean, "Where to Next", Seminar Paper: Iraq: Sanctions and Human Rights, op. cit., p. 20.

آین هم چنین بیان می دارد: «ما اعتقاد نداریم که رژیم عراق دلارهای حاصل از فروش نفت را برای غذا مصرف خواهد کرد یا آن‌ها را به اعراب هورنشین خواهد فرستاد. آن‌ها تانک‌ها را به سوی کردستان عراق خواهند فرستاد.» وی اعلام نمود که کنگره ملی عراق حامی حفظ تحریم‌ها علیه عراق می‌باشد تا قطع نامدهای ۶۸۸ و ۷۰۶ اجرا شوند (ر.ک: Ibid).

56. Alan Clark.

57. BBC TV Ceafax, 14 February 1998.

58. The Guardian, February 19, 1998, p. 19.

59. See: UN Document S/PV. 3004 (15 August 1991).

60. UN. Document: S/22799 (17 July 1991) in M. Weller (ed) op. cit., p. 639.

61. Echo of Islam, No. 166, April 1998, p. 5.

62. Report of the Secretary-General Pursuant to Paragraph 3 of Resolution 1111 (1997), (UN Document: S/1997/935, 28 November 1997) p. 21.

63. Adekeye Adebajo, op. cit., p. 63.

64. International Committee of the Red Cross, Basic Rules of the General Conventions and their Additional Protocols. (Geneva, 1983) p. 37.

65. See: Ibid, p. 41, 54.

و ر.ک: قرارداد چهارم ژنو، ماده ۲۳؛ پروتکل یک: مواد ۵۴ و ۶۹ تا ۷۱ و پروتکل دو، ماده ۱۸. (ر.ک: Ibid, p. 41, 54).

۶۶. ماده ۲۳ قرارداد چهارم ژنو.

۶۷. مواد ۲۷ - ۷۸ قرارداد چهارم ژنو.

۶۸. مواد ۷۹ - ۱۴۱ قرارداد چهارم ژنو.

۶۹. مواد ۵۰، ۵۵ و ۵۶ قرارداد چهارم ژنو.

۷۰. مواد ۵۵ الی ۵۷ قرارداد چهارم ژنو.

۷۱. ماده ۲۴.

۷۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱، ۳، ۵.

۷۳. بند دوم ماده ۱.

74. Michael R. Sklair, op. cit., p. 610.

75. Judith Gardam, "Legal Restraints on Security Council Military Enforcement Action", Michigan Journal of International Law, Vol. 17 (1996) p. 308.

76. Report of the Secretary-General on the Work of the Organization, United Nations: Wupplement No. 1 (A/54/1), 31 August 1999, para. 124.

77. Reisman.
78. Stevick.
79. W. Michael Reisman and Douglas L. Stevick, "The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes", *European Journal of International Law*, Vol. 9 No. 1 (1998) p. 86.
80. Rene Provost, "Starvation as A Weapon: Legal Implications of the UN Food Blockade Against Iraq and Kuwait", *Columbia Journal of International Law*, Vol. 30, part 3 (1992) p. 578.
81. *Ibid.*, p. 639.
82. *Ibid.*, p. 638-639.
83. See: Michael R. Sklaire, *op. cit.*, p. 631. For further details See: p.624-633.
84. Bashir Al-Samarria, *op. cit.*, p. 135.
85. Report of the secretary-General on the Work of the Organization, United Nations: Supplement No. 1 (A/55/1), New York 2000, para. 100.
86. *Ibid.*, para. 101.
87. The Secretary-General, Press Release (New York: 3 April 2000), in <<http://www.un.org/>>.
88. Smart Sanctions.
89. The Secretary-General, Press Release (GA/9704), (New York, 3 April 2000).
90. Andreas Choslev.
91. Quoted in Cemel Chibli Mallat, "Foreword", Seminar Paper: Iraq: Sanctions and Human Rights, *op. cit.*, p. 1.
92. Sam Picture, *op. cit.*, p. 5 & Adekeye Adebajo, *op. cit.*, p. 62.
۹۳. بیانیه اداره امور خارجی و مشترک المنافع انگلیس. (ر.ک: Middle East Desk, 6 March 1995)
۹۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک:
- David D. Caron, "Strengthening the Collective Authority of the Security Council", in Panel chaired by Lori F. Damrosch, "The Security Council: Its Authority and Legitimacy", in *Proceeding of the 87th Annual Meeting*, March 31-April 3, 1993 (The American Society of International Law, 1993) p. 308 (For more details see: *Ibid.*, p. 309-310).



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی